

اعتباربخشی

یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر توجه فراوانی را در محافل علمی آموزش پزشکی کشور به خود جلب نموده، موضوع اعتباربخشی (Accreditation) است. بررسی برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز بخوبی بیانگر توجه سیاست‌گذاران کلان کشور به اهمیت این امر در ارتقای کیفیت آموزش عالی می‌باشد. در چند سال اخیر، اقداماتی نیز در جهت استقرار ساختارهای اعتباربخشی در بخش‌هایی از آموزش پزشکی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در جریان بوده است، اما بدون شک تحقق صحیح این مهم، جز با شناخت صحیح و جامع مفهوم اعتباربخشی، نقاط قوت و ضعف، مراحل استقرار ساختار متولی، و مراحل انجام اعتباربخشی، میسر نخواهد بود.

تاریخچه اعتباربخشی

در سال ۱۸۶۲، کنگره ایالات متحده آمریکا، قانون موسوم به قانون اهدای زمین را به تصویب رساند. به موجب این قانون، اراضی فدرال برای تأسیس دانشگاه‌های دولتی در اختیار دولت‌های ایالتی قرار گرفت. به تدریج، تردیدهایی در مورد کیفیت آموزش ارائه شده توسط این مؤسسات مطرح شد. در واقع اعتباربخشی برای پاسخگویی به این تردیدها پا به عرصه وجود گذاشت. از آنجا که آموزش عالی در ایالات متحده فاقد نظارت مرکزی است، اعتباربخشی در ابتدا به عنوان پاسخی به نیاز موجود برای نظارت غیردولتی همگنان بر کیفیت مؤسسات آموزشی و نیز تدوین استانداردهای منطقه‌ای و تخصصی برای حصول اطمینان از تأمین کیفیت مطلوب در این مؤسسات به وجود آمد.

هر چند اعتباربخشی در کشورهای آمریکای شمالی ریشه دارد، ولی با گسترش آن در سطح بین‌المللی، دچار تغییر و تحولات بسیاری نیز گردیده است. یکی از گسترده‌ترین فعالیت‌ها در زمینه گسترش اعتباربخشی در خارج از آمریکای شمالی، در سطح اروپا، بویژه در اروپای شرقی و میانه مشاهده می‌شود. در بسیاری از کشورهای اروپای غربی، تا مدت‌ها نیازی به استقرار ساختارهای اعتباربخشی حس نمی‌گردید.

زیرا در بسیاری از این کشورها، کیفیت معمولاً به عنوان انطباق با هدف تعیین شده تعریف می‌شد. این کشورها شاهد گسترش سریع آموزش عالی بوده‌اند که به خودی خود باعث بروز فشار فزاینده بر منابع عمومی، درصد بالای عدم اشتغال و خودمختاری بیشتر مؤسسات گردید. از آنجا که آموزش عالی در این کشورها عمدتاً دولتی - عمومی بود، نیازی به استقرار ساختارهای اعتباربخشی احساس نمی‌شد زیرا این اعتقاد وجود داشت که این مؤسسات - برنامه‌ها به صورت دوفاکتور مورد تأیید هستند. مؤسسات آموزش عالی در این کشورها برای صدور گواهی در رشته‌های خاص مجوز دریافت می‌کنند و این کار به عنوان نوعی اعتباربخشی تلقی می‌گردد. در اروپای شرقی و مرکزی، اوضاع بسیار متفاوت بود. پس از تخریب دیوار برلین، کشورهای این منطقه نیاز به تغییر در نظام آموزش عالی خود را احساس می‌کردند. اغلب این کشورها، استفاده از اعتباربخشی را برگزیدند که این امر باعث شد اعتباربخشی نه تنها به عنوان ابزاری قدرتمند در دست دولت‌ها برای شناسایی کیفیت، بلکه به عنوان ابزاری سیاسی و اقتصادی تبدیل شود.

مفهوم اعتباربخشی

با جمع بندی تعاریفی که بطور کلاسیک برای اعتباربخشی ارائه شده است، اعتباربخشی عبارت است از اعطای مجوز یا تأیید صلاحیت یک واحد آموزشی که بر اساس قضاوت خبرگان حوزه مربوطه، ضوابط از پیش تعیین شده را رعایت کرده باشد.

بر اساس تعریف ارائه شده توسط شورای اعتباربخشی آموزش عالی (Council on Higher Education Accreditation) در ایالات متحده، اعتباربخشی فرایندی است مبتنی بر خودارزیابی و ارزیابی همگنان، برای تضمین کیفیت مؤسسه یا دوره آموزشی دانشگاهی که با هدف ارتقای کیفیت، پاسخگویی و تعیین اینکه آیا مؤسسه یا برنامه مورد نظر، استانداردهای منتشر شده توسط سازمان اعتباربخشی مربوطه و نیز رسالت و اهداف خود را تأمین کرده یا خیر، طراحی شده است.

اعتباربخشی می‌تواند در مورد کلیت یک مؤسسه انجام پذیرد (Institutional accreditation)، یا فقط در برگیرنده دوره‌های آموزشی تحت پوشش مؤسسه باشد (Specialized accreditation). در صورتی که واحد مورد ارزشیابی در نظام اعتباربخشی، کلیت یک مؤسسه باشد، کیفیت سازمان و فعالیت‌های آن مؤسسه شامل امور اداری، بودجه، سایر منابع و امکانات، امور پژوهشی، امکانات آموزشی و مکانیسم‌های تضمین کیفیت در آن مؤسسه مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد. اما اگر واحد مورد ارزشیابی در نظام اعتباربخشی، دوره آموزشی باشد، در آن صورت، کیفیت دوره در یک حوزه مشخص مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد. برای مثال، در شاخه پزشکی، اعتباربخشی دوره‌های آموزشی مشخص می‌کند که آیا دانشکده پزشکی استانداردهای ملی در زمینه سازمان، عملکرد و کارآیی دوره آموزشی پزشکی عمومی و یا دوره آموزشی هر یک از رشته‌های تخصصی را رعایت کرده است یا خیر؟

هر چند اعتباربخشی برنامه و مؤسسه، در بسیاری جهات دارای اصول مشترکی هستند، ولی به منظور سهولت، در ادامه مفهوم اعتباربخشی، در اینجا عمدتاً به اعتباربخشی سازمانی (Institutional accreditation) اشاره شده است.

اعتباربخشی به عنوان یک سیستم ارزشیابی سازمانی (Orginazation evaluation) دارای عناصر اصلی زیر می‌باشد:

(۱) سازمانی که متولی انجام ارزشیابی‌های ادواری می‌باشد.

(۲) استانداردها و احتمالاً ابزارهای مدون و مکتوبی که برای انجام ارزشیابی‌ها به کار می‌روند.

(۳) برنامه زمانی از قبل تعیین شده (به عنوان مثال هر چهار یا پنج سال یک بار) برای انجام ارزشیابی‌ها.

(۴) استفاده از نظرات خبرگان متعدد، به منظور قضاوت در مورد کیفیت واحد مورد ارزشیابی.

(۵) تأثیر بر وضعیت واحد مورد ارزشیابی بر اساس نتایج حاصل از ارزشیابی انجام شده.

با جمع‌بندی موارد فوق می‌توان گفت: اعتباربخشی فرایندی است که در جریان آن، یک سازمان مشخص با استفاده از نظر مجموعه‌ای از خبرگان یک حوزه تخصصی، بر اساس استانداردهای مدون و از پیش تعیین شده، نسبت به انجام ارزشیابی‌های ادواری منظم واحدهای آموزشی در حوزه مورد نظر اقدام نموده و در مورد اعطای صلاحیت آموزشی به آنها تصمیم‌گیری می‌نماید. هر چند در ابتدا، اعتباربخشی منحصرأ در حوزه آموزش انجام می‌گرفت، در حال حاضر، اعتباربخشی علاوه بر آموزش، حوزه‌های دیگری نظیر پژوهش و سازمان ارائه خدمات را نیز در برمی‌گیرد.

اگرچه اکثر ساختارهای اعتباربخشی بطور سنتی عمدتاً بر کافی بودن امکانات، صلاحیت‌های کارکنان و مناسب بودن فرایندها متمرکز بوده‌اند، در حال حاضر، برخی از آنها در حال بازنگری در ضوابط و روش‌های خود برای تکیه بیشتر بر پیامد (Outcome) و بخصوص ارتباط درون‌داد (Input) و فرایند (process) با پیامد هستند. در این زمینه، بسیاری از ساختارهای اعتباربخشی تلاش می‌کنند تا استانداردهایی در ارتباط با پیامد نظیر درصد دانش‌آموختگان، درصد یافتن شغل توسط دانش‌آموختگان، درصد انصراف‌دهندگان، و نسبت هزینه‌های آموزشی به درآمد دانش‌آموختگان را در مجموعه استانداردهای خود بگنجانند.

اهمیت اعتباربخشی

اهمیت توجه به ارتقای کیفیت، آن‌گاه بیش از پیش مشخص می‌شود که توجه داشته باشیم بر اساس گزارش فدراسیون جهانی آموزش پزشکی (World Federation for Medical Education WFME) طی دو دهه گذشته در سراسر جهان، شاهد گسترش بی‌رویه آموزش پزشکی (حداقل در مقطع پزشکی عمومی) بوده‌ایم. عامل دیگری که بر شدت مشکلات می‌افزاید، افزایش تعداد واحدهای آموزشی غیر انتفاعی است که هدف اصلی آنها تربیت سهل و آسان دانش‌آموختگان می‌باشد. این واحدهای آموزشی، خصوصاً برای متقاضیانی که به دلیل بنیه علمی ضعیف‌تر توانایی ورود به دانشکده‌های پزشکی جا افتاده را ندارند اما از طبقات مرفه اجتماعی برخاسته‌اند، بسیار جذاب هستند. علاوه بر تأثیری که این واحدهای آموزشی بر کیفیت آموزش پزشکی دارند، باعث اختلال در امر برنامه‌ریزی صحیح نیروی انسانی پزشکی نیز می‌شوند. این در حالی است که به دلیل افزایش سطح آگاهی جامعه، سطح انتظارات مردم از پزشکان رو به افزایش است.

نقاط قوت و ضعف اعتباربخشی

برای درک صحیح‌تر اهمیت اعتباربخشی، بهتر است اشاره کوتاهی به نقاط قوت آن داشته باشیم. با جمع‌بندی موارد ذکر شده در منابع مختلف، می‌توان به نکات زیر به عنوان عمده‌ترین نقاط قوت اعتباربخشی اشاره نمود:

۱) اطمینان‌بخشی به دولت، جامعه، مسؤولان اجرایی مؤسسات آموزشی، متخصصان، دانشگاهیان و آموزش‌گیرندگان در مورد کیفیت آموزش ارائه شده.

۲) بهبود کیفیت آموزشی از طریق تدوین شاخص‌ها و دستورالعمل‌های لازم برای ارزشیابی.

۳) تشویق مراکز آموزشی برای بهبود دایمی از طریق ارزشیابی‌های مداوم.

۴) ارائه مشاوره به مراکز آموزشی.

۵) حمایت از مراکز آموزشی در برابر فشارهایی که ممکن است کارآیی آموزشی آنها را مورد تهدید قرار دهد.

۶) جامعیت فرایند ارزشیابی که مانع از ساده‌انگاری در زمینه درک پیچیدگی فرایندهای آموزشی می‌گردد.

۷) فراهم کردن امکان جمع‌آوری سیستماتیک اطلاعات در مورد واحدهای مورد ارزشیابی.

۸) هزینه نسبتاً قابل قبول.

هرچند، در بالا نیز به آن اشاره گردید، یکی از مهم‌ترین فواید اعتباربخشی آن است که با تضمین کیفیت واحد مورد ارزشیابی باعث می‌شود تا دولت، جامعه، مسئولان اجرایی مؤسسات آموزشی و آموزش‌گیرندگان، از کیفیت آموزش و در نهایت کیفیت آموزش‌گیرندگان اطمینان حاصل نمایند، اما باید همیشه به خاطر داشته باشیم که ارزش اعتباربخشی به بُعد بازرسی و نظارتی آن محدود نمی‌شود، بلکه تجربه سیستم‌های اعتباربخشی بخوبی نشان‌دهنده این واقعیت است که فعالیت این ساختارها منجر به راه‌اندازی و تقویت فرایند ارزشیابی درونی در مؤسسات آموزشی، و در نتیجه یک تلاش درون‌زاد برای ارتقای کیفیت می‌گردد.

فرایند اعتبار بخشی

اولین قدم در راه انجام اعتباربخشی، تعریف استانداردهای مربوط به اجزای مجموعه‌ای است که به عنوان واحد مورد ارزشیابی تعیین شده است. استانداردهای اعتباربخشی دوره‌های آموزشی، دربرگیرنده استانداردهای مربوط به تعداد و مدارج علمی آموزش‌دهندگان، شرایط آموزش‌گیرندگان، امکانات و تجهیزات آموزشی، برنامه آموزشی شامل محتوا، روش‌های آموزشی و روش‌های ارزیابی، و... می‌شود.

همان گونه که قبلاً اشاره شد، در اغلب موارد، این استانداردها بر اساس توافق جمعی آموزش‌دهندگان، آموزش‌گیرندگان، نهادهای حرفه‌ای، دولت و سایر گروه‌های ذی‌نفع تعیین می‌شود. از آنجا که هدف هر سیستم آموزشی باید تربیت دانش‌آموختگان توانمند در حیطه کاری مربوطه باشد، بنابراین، منطقی به نظر می‌رسد، با به کارگیری روش‌های دقیق‌تری به ارزیابی توانایی واقعی دانش‌آموختگان سیستم آموزشی در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه پرداخته و از نتایج آن در تدوین استانداردهای آموزشی استفاده شود. هرچند ساختارهای اعتباربخشی در جزئیات فعالیت خود دارای تفاوت‌هایی هستند اما از نظر روش کار دارای اصول مشترکی می‌باشند. فرایند اعتباربخشی بطور معمول شامل اجزای زیر است:

الف) جمع‌آوری اطلاعات در مورد واحد مورد ارزشیابی. این مرحله می‌تواند با استفاده از پرسشنامه‌های مخصوصی که به همین منظور تهیه شده‌اند، انجام شود.

ب) انجام ارزیابی درونی توسط مسؤول آموزشی، اعضای هیأت علمی، مسئولان اجرایی مؤسسه و آموزش‌گیرندگان.

پ) انجام بازدید توسط خبرگانی که از خارج مؤسسه اعزام می‌شوند.

ت) تهیه گزارش توسط هیأت ارزشیابی‌کننده.

ث) تصمیم‌گیری نهایی توسط نهاد مسؤول اعتباربخشی بر اساس کلیه اطلاعات جمع‌آوری‌شده، که در بسیاری از موارد این تصمیم‌گیری توسط یک کمیته چند رشته‌ای (Multidisciplinary) صورت می‌گیرد.

ارزیابی درونی مرحله آغازین کاربرد اعتبار بخشی تلقی می شود. و به منظور خوددر آیین دیدن اقدام به ارزیابی می کند تا نقاط ضعف و قدرت خود را دریابد و به اصلاح نقطه ضعفها بپردازد. در ارزیابی درونی یک نظام دانشگاهی خود اعضا خودبخود به صورت بندی سوالات ارزیابی می پردازند. روشهای گردآوری داده های مورد نیاز را تعیین کرده و پس از تحلیل آنها مشخصاً به قضاوت درباره خود می پردازند. و سرانجام با استفاده از نتایج به بهبود امور می پردازند

طبیعتاً هر یک از ساختارهای اعتباربخشی، بر اساس نیازها و اولویتهای خود، تغییراتی در این رویه کلی ایجاد می نماید. به عنوان مثال، در برخی از ساختارهای اعتباربخشی، بازدید از محل صرفاً به منظور تأیید صحت اطلاعات ارائه شده انجام می شود و بنابراین، ضرورتی به استفاده صرف از خبرگان رشته مربوطه برای بازدید وجود ندارد، یا در بسیاری از ساختارهای اعتباربخشی، ارزیابی درونی در فواصل بین ارزشیابی های بیرونی انجام می گیرد و نه قبل از هر ارزشیابی بیرونی.

تجربه های بین المللی در ارزیابی درونی نشان می دهد که به عوامل پنجگانه زیر در ارزیابی درونی یک نظام دانشگاهی بایستی توجه گردد:

۱- جایگاه سازمانی / سازماندهی و مدیریت

۲- وضعیت دانشجویان

۳- فرایند آموزشی

۴- دوره های آموزشی مورد اجرا

۵- دانش آموختگان

نگاهی به ساختارهای اعتباربخشی در سایر کشورهای جهان

در حال حاضر، در کشورهای جهان، ساختارهای اعتباربخشی بسیاری در حیطه های مختلف، اعم از آموزشی و خدماتی، مشغول به کار هستند. آنچه در این قسمت به آن اشاره می شود، توضیح مختصری در مورد ساختارهای اعتباربخشی آموزشی در بعضی از مقاطع آموزش علوم پزشکی است.

آموزش پزشکی عمومی

در کشورهای آمریکای شمالی، سال هاست که اعتباربخشی آموزش پزشکی عمومی Undergraduate Medical Educati (UME) در حال انجام است. در واقع، قدمت ساختار اعتباربخشی UME در این کشورها به اوایل قرن بیستم برمی گردد. در حال حاضر نیز، Liaison Committee on Medical Education (LCME) که از سال ۱۹۴۲ با همین عنوان مشغول فعالیت است، وظیفه اعتباربخشی در حوزه UME را در ایالات متحده و کانادا با همکاری

Committee on Accreditation of Canadian Medical Schools (CACMS) بر عهده دارد. برخی از کشورهای اروپایی نظیر انگلستان، هلند، کشورهای اسکاندیناوی و نیز کشورهای استرالیا و زلاند نو نیز ساختارهایی را به این منظور راه‌اندازی نموده‌اند.

در استرالیا، تا سال ۱۹۸۴، شورای پزشکی عمومی (General Medical Council) کشور انگلستان، دانشکده‌های پزشکی استرالیا را مورد ارزشیابی قرار داده و در مورد اعتباربخشی آنها تصمیم می‌گرفت. از سال ۱۹۸۵، شورای تازه تأسیس پزشکی استرالیا (Australian Medical Council AMC) این مسؤلیت را برعهده گرفته و تجارب ارزشمندی در مورد ایجاد تحول در نظام اعتباربخشی این کشور بر اساس نیازها و اولویت‌های محلی خود کسب کرده است.

در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای استقرار ساختارهای اعتباربخشی در مکزیک، آمریکای لاتین و مالزی انجام شده است. در مکزیک، کمیته ملی اعتباربخشی فرایند اعتباربخشی برنامه‌های پزشکی دانشکده‌های پزشکی را بر عهده دارد. در هر دو کشور مکزیک و مالزی، ساختار اعتباربخشی با اقتباس و یا کمک LCME به اجرا درآمده است.

علاوه بر ساختارهای اعتباربخشی پیش‌گفت، در سال‌های آخر قرن بیستم، فدراسیون جهانی آموزش پزشکی (WFME) نیز فعالیت گسترده‌ای را در زمینه تدوین استانداردهای آموزشی جهانی و استقرار یک ساختار اعتباربخشی بین‌المللی برای دوره‌های آموزشی پزشکی عمومی آغاز نمود. در این راستا، در سال ۱۹۹۸، فدراسیون جهانی گروه کاری تدوین استانداردهای بین‌المللی در آموزش پزشکی عمومی، متشکل از یک کمیته کاری و یک تیم مشاوران بین‌المللی را تشکیل داد.

پس از تهیه متن اولیه، دریافت نظرات در مورد آن از طریق انتشار در مجله Medical Education و طرح در چندین همایش، در نهایت شورای اجرایی WFME متن استانداردهای جهانی برای آموزش پزشکی عمومی را به تصویب رساند.

سند مذکور، یکی از اجزای تری‌لوژی منتشر شده توسط WFME برای سه مرحله آموزش پزشکی (آموزش پزشکی عمومی، آموزش پزشکی بعد از دانش‌آموختگی و توسعه مداوم حرفه‌ای) می‌باشد که در جریان کنفرانس جهانی آموزش پزشکی، استانداردهای جهانی برای آموزش پزشکی برای خدمات سلامت بهتر، در ماه مارس ۲۰۰۳ در شهر کپنهاگ، با حضور ۵۰۰ نفر از صاحب‌نظران آموزش پزشکی از ۸۰ کشور جهان، به بحث و بررسی گذاشته شد.

آموزش پزشکی تخصصی

آموزش پزشکی تخصصی، مرحله دوم در طیف آموزش پزشکی محسوب می‌شود. در این زمینه نیز، ساختارهای اعتباربخشی شناخته شده‌ای در کشورهای صاحب‌پیشینه جهان در آموزش پزشکی وجود دارد.

اعتباربخشی آموزش پزشکی تخصصی در ایالات متحده به سال ۱۹۱۴ برمی‌گردد، یعنی زمانی که برای اولین بار صدور مجوز بیمارستان‌های آموزشی برای آموزش تخصصی آغاز شد. پس از آن، در دهه پنجاه قرن بیستم بود که کمیته‌های تخصصی در دو رشته جراحی و داخلی تشکیل گردید. از آن پس، کمیته‌های رشته‌های دیگر به تدریج راه‌اندازی شدند و از حدود ۲۰ سال پیش تمامی این کمیته‌ها زیر چتر حمایتی و نظارتی واحدی به نام شورای اعتباربخشی آموزش پزشکی تخصصی (ACGME) اداره می‌شوند. در حال حاضر، ACGME اعتباربخشی آموزش تخصصی در ۲۶ رشته تخصصی و ۷۴ رشته فوق تخصصی بالینی را بر عهده دارد.

در کشور کانادا، اعتباربخشی آموزش پزشکی تخصصی از سال ۱۹۴۵ آغاز گردید و در حال حاضر، اعتباربخشی آموزش تخصصی در ۵۵ رشته تخصصی و فوق تخصصی در سراسر کانادا توسط کالج سلطنتی پزشکان و جراحان کانادا (Royal College of Physicians and Surgeons of Canada PSC) صورت می‌گیرد.

در چند سال اخیر، براساس درخواست وزیر بهداشت استرالیا و پذیرش شورای پزشکی استرالیا، این شورا مسؤولیت استقرار ساختار اعتباربخشی آموزش تخصصی در کشور استرالیا را بر عهده گرفته و تا کنون اقداماتی را در چند رشته آغاز کرده است.

در سطح بین‌المللی نیز فدراسیون جهانی آموزش پزشکی در تداوم روند اتخاذ شده برای آموزش پزشکی عمومی، با تشکیل یک گروه کاری و برگزاری نشست‌های متعدد کارشناسی، متن استانداردهای آموزش پزشکی پس از دانش‌آموختگی را آماده و پس از تصویب شورای اجرایی در سپتامبر ۲۰۰۲ منتشر نمود.

در کشور ما، شورای آموزش پزشکی و تخصصی که از سال ۱۳۵۲ براساس قانون مصوب مجلس شورای ملی وقت تأسیس گردیده است وظیفه ارزشیابی و تأیید صلاحیت آموزشی واحدهای آموزش پزشکی تخصصی در کشور را بر عهده دارد. بر اساس مطالعات وسیع کارشناسی انجام شده در مورد مبانی پایه و تجارب عملی کشورهای دیگر در زمینه ارزشیابی و اعتباربخشی، شورای آموزش پزشکی و تخصصی در تیر ماه ۱۳۷۹ استقرار ساختار نوین ارزشیابی و اعتباربخشی آموزش پزشکی تخصصی را به تصویب رساند. از آن زمان تا کنون، با تشکیل بیش از ۱۵ کمیته تخصصی و نیز کمیسیون اعتباربخشی، برای اولین بار در کشور، ضمن استقرار یک ساختار اعتباربخشی منسجم، استانداردهای آموزشی در ۹ رشته تخصصی به تصویب شورا رسیده و مراحل اجرایی خود را در دانشگاه‌ها بر اساس طراحی انجام شده پشت سر می‌گذارد.

سایر شاخه‌های علوم پزشکی

علاوه بر موارد فوق، در حال حاضر، ساختارهای اعتباربخشی مستقل در زمینه‌هایی نظیر آموزش مداوم در ایالات متحده و اتحادیه اروپا، دندان پزشکی و تخصص‌های وابسته، داروسازی، و رشته‌های Allied Health Medicine در حال فعالیت هستند.

نتیجه‌گیری

اعتباربخشی به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های تضمین و ارتقای کیفیت آموزش پزشکی، وسیله‌ای بسیار مناسب برای تضمین ارائه آموزش صحیح به دانشجویان و دستیاران در مقاطع مختلف تحصیلی علوم پزشکی و در نهایت، ارائه خدمات مناسب به جامعه محسوب می‌شود. در دهه‌های اخیر، شاهد گسترش سریع اعتباربخشی در خارج از زادگاه اولیه آن یعنی آمریکای شمالی هستیم. این گسترش موجب گردیده است تا تغییراتی اساسی در برخی از مفاهیم پایه اعتباربخشی نظیر نقش دولت در اعتباربخشی و ماهیت داوطلبانه آن ایجاد شود. در عین حال، روش و محتوای ساختارهای نوظهور، بسیار مشابه ساختارهای باسابقه می‌باشد. با توجه به رویکردهای جهانی و نیز سیاست‌های کلان نظام در جهت ارتقای سلامت جامعه و نیز آموزش پزشکی، لازم است با انجام مطالعات کارشناسی و استقرار ساختارهای اعتباربخشی مناسب در هر یک از حوزه‌های علوم پزشکی، نسبت به انجام این مهم اقدامات لازم صورت گیرد.